

افشار کا بل

وحشتناک ترین حادثہ در جنگ های داخلی افغانستان، در منطقه ی (افشار) واقع در غرب کابل روی داده است.؟! صدها نفر از سکنه های(هزار) قتل عام شدند. (جالبه بدونین توسط نیروهای حکومتی بوده است.)
شرح حادثه

ساعت ۱ نیمه شب تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۷۱ زمانی که همه در خواب بودند این منطقه از ۳ طرف مورد حمله قرار گرفت. از غرب توسط (نیروی اتحاد اسلامی سیاف) از شمال و جنوب (توسط نیروهای دولتی) کل منطقه را مورد حمله قرار دادند.

♦ اگر لحظه ای خودمون را اونجا تصور کنیم وحشت و ترس گریبان گیرمون میشه.

این هجوم تا ۲۴ ساعت بعد ادامه داشته است. تنها فقط کشتن و قتل مطرح نیست رویداد هایی است که نمیشود به راحتی از آن گذشت.

♦ متأسفانه در جنگ ها و هجوم ها اولین نشانه سمت (زنان) هست زنان بی گناه و باحیای افغانستانی آنشب مورد تجاوز وحشیانه ی نیروهای حکومتی میشوند و بطرز... بقتل میرسند.

زنان مظلومان تاریخ اند.

خانه ها را به آتش کشیدند.

دختران و پسران جوان را اسیر کردند.

طبق روال طبیعی این خبر در سراسر جهان منعکس میشود.

برآورد کرده بودند حدود ۷۰۰ نفر کشته شدند.

حالا واکنش دغدغه مندان حقوق بشر چی بود؟! فقط و فقط محکوم کردند. دست سازمان ملل درد نکنه از شام شون معلوم هست ناهار شون چیه؟!

نکته های دردناک این حادثه

♦ پیدا شدن گورهای دسته جمعی ۵۸ نفره

افشار به یک گورستان تبدیل شد.

♦ انزجار آورده که قتل و تجاوز را بنام (جهاد) میزنند، از این اسم در حال حاضر بیشترین سوء استفاده میشود از جهاد نکاح گرفته تا... هدف شون چیزی جزء از بین بردن تقدس این نام نیست.

انسان های بی گناه زیر ساتورها و تیغ های تیز تکه تکه شدند اما صدایی از کسی درنیامد.

♦ دردناک هست بدونید: سینه های زنان و سرهای جوانان را زنده زنده

بریدند

یادم رفت بیان کنم به کودکان هم تجاوز کردند.

♦ وزیر دفاع دولت در آن دوره (احمد شاه مسعود) بود شایان ذکر است وی تمام مسوولیت برنامه ریزی و دستور دهی عملیات های نظامی را داشته است.

آخرین نکته:

عاملان این رفتار غیر انسانی هرگز نه دستگیر شدند و نه محاکمه ای کم درد و دل: « صدای فریاد و جیغ های زنان بی دفاع از افشار همچنان به گوش میرسد، لعنت به کسانی که به زنان بی دفاع وحشیانه تعرض میکنند و بیماری های جنسی خود را در نام اسلام و جهاد کاور میکنند . زنان زیبایی خلقتند و پاک دامنی شان مظهر عرش الهی است. لحظه ای همزادپنداری از این رفتار کثیف تنم را میلرزاند و بی اختیار هوای چشمانم بشدت طوفانی میشود».

درود بر غیور مردان سرزمینم که همچون شیر مراقب نوامیسان هستند از خود میگذرند تا من.....ما....در آسایش و امنیت باشم.

والسلام

پرستو مروجی